

منجی گرایی در میان غیر مسلمانان

جعفر حسن زاده کلشانی^۱

کبری عادل‌ی نیا^۲

چکیده

این باور که روزی منجی خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد فصل مشترک تمام ادیان می باشد. در همه ادیان مسئله ظهور موعود غایب پیش بینی شده است و همه انبیا و اولیا وعده داده اند که در آخرالزمان یعنی پایان خط انبیا، شخصیتی الهی که دارای مقام ولایت و رسالت الهیه باشد ظهور خواهد کرد. هر یک از ادیان و مکاتب دینی دارای موعود یا منجی آخرالزمان می باشد که از جایگاه ویژه در آن دین یا آیین برخوردار است. در تمام این ادیان، موعود معنایی واحد دارد و آن این که در روزگاری که جهان پر از ظلم و جور است ناگهان لطف خداوندی بر اساس قاعده لطف شامل حال بشر می شود و منجی و موعود ظهور می کند و ضمن اینکه ظلم و جور را از بین می برد، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

فکر ظهور مصلح بزرگی که انسان را از دردها و محنت‌ها رهایی بخشد و به انسانیت مدد رساند در تمام نقاط عالم جریان دارد و بشریت در امتداد تاریخ با دیدن ناملایمات و فشارهای گوناگون به یک منجی که جریان تاریخ را عوض کند و دولت حق را پایه ریزی نماید باور دارد و معتقد است که با ظهور آن تمام تبعیض‌های طبیعی که بر بنیان پرهیزگاری، استوار نگشته است ریزش خواهد کرد.

واژگان کلیدی: منجی، ادیان، اسلام، ظهور.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

مقدمه

فکر ظهور یک رهایی بخشی که عدل و آسایش با ظهور آن در آخرالزمان به منصفه ظهور خواهد رسید و عدل و برابری در دولت کریمه آن منجی شیوع خواهد داشت از جمله گزینه های ایمانی ادیان الهی و شعبه های غیر الهی است همچنان که یهود بدان ایمان آورده و مسیحیت به برگشت عیسی (علیه السلام) معتقد است زردشتیان به آمدن بهرام و هندوان به رسیدن ویشنو و بوداییان به ظهور بودا و حتی مغول برای ظهور دیگر باره چنگیز به انتظارند. هم چنان که این اعتقاد در مصریان قدیم و کتاب های چینیان نیز یافت می شود (ر.ک: المهدی المنتظر فی فکر الاسلامی، بی تا: ۸). به هر حال باور به موعود و منجی از خصایص اندیشه بشری است اما در این میان ادیان غیر الهی به لحاظ جهان بینی خود تصویری گوناگون از منجی دارند.

فتوریزم چیست؟

فتوریزم یعنی، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و بزرگ، و از جمله مسایلی است که در اصول عقاید ما، جای مهمی را اشغال کرده است. فتوریزم عقیده‌ای است که در کیش‌های آسمانی زوراسترانیسم (مذهب زردشت) و جوداییسم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت (کاتولیک، پروتستان و ارتودکس) و به‌طور کلی در میان مدعیان نبوت، به‌مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی به اتفاق، بشارت ظهور همچو مصلحی را داده‌اند (خسروشاهی، ۱۳۷۲: ۵۵).

مهدویت در ادیان غیر اسلامی

مسئله عقیده به ظهور مصلحی جهانی در پایان دنیا امری عمومی و همگانی است و اختصاص به هیچ قومی و ملتی ندارد. سرمنشأ این اعتقاد کهن و ریشه دار علاوه بر اشتیاق درونی و میل باطنی هر انسان که به طور طبیعی خواهان حکومت حق و عدل و برقراری نظام صلح و امنیت در سرتاسر جهان است. نویدهای بی شائبه پیامبران الهی در تاریخ بشریت به مردم مؤمن و آزادی خواه جهان است. تمامی پیامبران بزرگ الهی در دوران مأموریت خود به عنوان جزیی از رسالت خویش به مردم وعده داده اند که در آخرالزمان و در پایان روزگار، یک مصلح بزرگ جهانی ظهور خواهد نمود و مردمان جهان را از ظلم و ستم ستمگران نجات خواهد داد و فساد، بی دینی و بی عدالتی را در تمام جهان ریشه کن خواهد ساخت و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد (محدثی، صلواتیان، ۱۳۹۰: ۳۶-۳۷).

یهود

نجات دهنده پایانی، بر مبانی معتقدات یهودیان مسیح «ماشیح» است. اعتقاد بیش‌تر دانشمندان یهود بر این است که ظهور مسیح و فعالیت او برای بهبود وضع جهان و تأمین خواست‌ها و نیازهای مردمان بخشی از نقشه‌های خداوند در آغاز آفرینش بوده است و لزوم وجود نجات‌بخشی که کسی جز

مسیح نیست، پیش از آفرینش کائنات به ذهن خداوند خطور کرده است (آبراهام کهن، ۱۳۸۲: ۳۵۲). برخی ماشیح یعنی نجات دهنده آخرین را داوود می‌شمارند و پاره ای او را از خانواده داوود می‌شمارند. نخستین نبی که پیشگویی‌های خود را نوشت، «عاموس» بود. او و نبی معاصرش هوشع از «روز خداوند»، «روز ظلمت» و «روز انتقام از سامره و پادشاهی اسرائیل» به علت تمام خطاهایش تصاویر تاریک و ترس‌آوری ترسیم کرده‌اند. در زبور حضرت داوود که تحت عنوان مزامیر آمده و جزء کتب عهد عتیق می‌باشد درباره ظهور منجی به بیان‌های گوناگون، نویدهایی داده شده است.

در کتاب «اشعیاء بنی» که یکی از پیامبران پیرو تورات است بشارت فراوانی در مورد ظهور یک منجی آمده است که ما به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. «خداوند می‌گوید که نجات دهنده برای صیون و برای آنانی که در یعقوب از معصیت بازگشت نماید خواهد آمد و خداوند می‌گوید» اما عهد من با ایشان است که روح من که بر تو است و کلام من که در دهان تو گذاشته‌ام از دهان تو و از دهان ذریت تو و از دهان ذریت، ذریت تو دور نخواهد شد...» (کتاب مقدس، کتاب اشعیای نبی، باب ۵۹، بند ۲۰، ۱۲۹۴، برگرفته از سایت ویکی‌پدیا). با توجه به این بیانات منجی زمانی برای نجات مردمان خواهد آمد که آن‌ها از گناهان خود توبه کنند و دستورات خداوند را گردن نهند.

مسیحیت

به اعتقاد مسیحیان، حضرت عیسی بار دیگر زنده می‌شود و برای نجات مردم فرود می‌آید. «فارقلیط» از جمله القابی است که به منجی مسیحیان داده شد و لفظاً به معنی آموزگار، شفیع و هادی و تقویت دهنده بوده و تحقق بخش عدالت در جهان آینده است. (برگرفته از مقدمه کتاب «نجات بخشی از ادیان»، محمدتقی راشد محصل، بی تا).

هوشع نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که در کتاب خود درباره بازگشت حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور خبر داده است. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۳۲۷).

یهود و نصاری و مهدویت

مسترهاکس نویسنده آمریکایی کتاب قاموس کتاب مقدس درباره شیوع اعتقاد به ظهور، و انتظار پیدایش منجی بزرگ جهانی در میان قوم یهود چنین می‌نویسد: عبرانیان منتظر قدم مبارک مسیح، نسل به نسل بودند و وعده آن وجود مبارک مکرراً در زبور و کتب انبیا، علی‌الخصوص در کتاب اشعیاء داده شده است.

«تا وقتی که یحیای تعمیر دهنده آمده، به قدم مبارک وی بشارت داد، لیکن یهود آن نبوات (پیش‌گویی‌ها) را نفهمیده و به خود می‌اندیشیده که مسیح (سلطان زمان) خواهد شد و ایشان را از دست جورپیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد» (قاموس کتاب مقدس، ۸۰۶).

نویسنده کتاب قاموس کتاب مقدس در کتاب خود از یهودیان، زبان به شکایت می‌گشاید که دعوت عیسی مسیح را پس از آن همه اشتیاق و انتظار، سرانجام نپذیرفتند و او را مسیح واقعی پنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان خواهد بود و منجی واپسین و مژده اش را کتاب مقدس شان داده بود و سال‌ها در انتظارش در التهاب سوزان لحظه شماری می‌کردند، مطابق نیافتند. از این رو، با او به دشمنی برخاستند، حتی وی را جنایتکار به هفت اسرائیل، و تعالیمش را ضد آرمان اساسی کتب مقدس عهد عتیق (تورات و ملحقات آن) دانستند، ناچار به محاکمه اش فرا خواندند و به اعدام محکومش کردند، و همچنین با احساس غمی جانکاه مجدداً به انتظار مسیح موعود و رهایی بخش از رنج و ستم نشستند.

مسیحیان، با این که حضرت عیسی (ع) را مسیح موعود یهودیان می‌دانستند، چون نسبت به پیروی او احساس نا‌تمامی کردند، یکباره امیدشان از زمان حال برکنده شد، حماسه انتظار را از سر گرفتند و در انتظار مسیح و بازگشت او از آسمان، در پایان جهان نشستند. در کتاب قاموس کتاب مقدس آمده است: کلمه پسر انسان هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) به کار رفته است که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی (ع) قابل تطبیق است و پنجاه مورد آن از مصلح و نجات دهنده ای سخن می‌گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد (مهدی پور، او خواهد آمد، ۳۳).

جنگ آخرالزمانی آرماگدون

آرماگدون واژه ای عبری است به معنای تپه شریفان یا کوه. تپه ای که در جنوب شرقی هیفا در قسمت شمالی کشور فلسطین قرار دارد و در محدوده کرانه های باختری رود اردن واقع شده است. گفته شده که در گذشته مکانی استراتژیک در مسیر و تقاطع شمال به جنوب و شرق به غرب بوده است. آنچه قابل توجه است این که این منطقه بسیار محدود و کوچک است. به هر حال آن چه مهم است این که امروزه این مکان به عنوان مکانی برای جنگ آخرالزمان بنیادگرایان انتخاب شده است. منطقه آرماگدون در غرب رود اردن و در میان الجلیل و السامرة در دشت یزرعین قرار دارد. جایی که حتی ناپلئون بناپارت نیز روزگاری درباره آن گفته که در آن بزرگترین نبرد جهان رخ می‌دهد.

آخرالزمان اصطلاحی است در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا، به معنای آخرین دوران حیات بشر و قبل از برپایی قیامت.

پیشگویی‌ها درباره آرماگدون

جریان «مسیحیان صهیونیست» که همان مبدعان و مبلغان وقوع آرماگدون می‌باشند، تمام رفتارهای خود را منسوب به مشیت (تقدیر) الهی کرده و در مسیر تحقق خواسته‌هایشان اقدامات خشونت باری را تدارک نموده‌اند و آنان پیشگویی‌های کتاب مقدس را بهانه این اعمال خود قرار داده‌اند تا آنجا که با استفاده از قدرت رسانه‌ای فوق‌العاده‌ای مدام که تبلیغ می‌کنند خداوند مقرر کرده است، بشر هفت دوران از مشیت الهی را از سر بگذارند که یکی از آن‌ها «جنگ هسته‌ای آرماگدون» است.

اما جالب آن است بدانیم که واژه هارمجدون تنها یک بار در انجیل آمده است؛ و ایشان را [نیروهای اهریمنی] به موضعی که آن را «هارمجدون» می خوانند، فراهم آورند. (جمعی از نویسندگان، بی تا: ج ۲، ص ۴۳).

نبرد بزرگ آرماگدون

مسیحیان صهیونیست می گویند که پیش از ظهور (مجدد) مسیح و برپایی قیامت و پس از یک دوره فلاکت ۷ ساله که منجر به نبرد با دجال می شود، جنگ آرماگدون اتفاق می افتد (صاحب خلق، نصیر، پروتستانتیزم، پیوریتانیسم و مسیحیت صهیونیستی، ص ۹۱). آنان برای این درگیری ویژگی های منحصر به فردی بیان می کنند که پس از این خواهیم دید که حتی معتقدند وقوع این جنگ بزرگ جهانی بسیار نزدیک است و نسل فعلی بشریت قطعاً شاهد وقوع آن خواهد بود (صاحب خلق، نصیر، تاریخ ناگفته و پنهان آمریکا، ص ۱۷۷).

انگیزه درگیری و رویارویی

مسیحیان اصولگرا جنگ آرماگدون را با پسوند مقدس توصیف می کنند و نوع بیان دسته بندی طرفین درگیر در میدان جنگ با استفاده از الفاظ مذهبی و با عنوان «مؤمن»، «کافر» و «مشرک» است که به خوبی نشان دهنده دینی جلوه دادن این جنگ است. خلاصه این که همه آن ها که ادعا می شود در آرماگدون مقابل همدیگر می ایستند برای دفاع از دین و آیین و مرام خودشان خواهد بود (ر. ک: تدارک جنگ بزرگ، صص ۱۵۵ - ۱۸۹).

زمان وقوع نبرد آرماگدون

مسیحیان صهیونیست عنوان می کنند این اتفاق در آینده ای بسیار نزدیک و طی چند سال آینده به وقوع خواهد پیوست و اندکی پس از آن مسیح (ع) ظهور خواهد کرد و بر دجال فائق خواهد آمد. جالب است بدانیم که پیروان این جریان وقوع دو نشانه را پیش از رخ دادن آرماگدون ذکر می کنند و برای این دو نشانه هم ترتیب و توالی زمانی قائلند:

۱- تجدید بنای هیکل (معبد) سلیمان: معبد سلیمان که نماد حکومت جهانی دولت یهود است پیش از برقراری حکومت جهانی مطلوب آن ها می باید برپا شود، و به منظور وقوع این امر بر وجوب و لزوم قطعی حیات و کمک به اسرائیل و مهاجرت تمام یهودیان دنیا به فلسطین اشغالی تأکید شدیدی می کنند. راه وصول به این مقصود نیز تخریب مسجدالاقصی است و می گویند باید معبد به جای مسجد ساخته شود؛ (هالسل، بی تا: بخش دهم (حصار مسجد)؛ صاحب خلق، پروتستانتیزم، پیوریتانیسم و مسیحیت صهیونیستی، ص ۱۱۸) حتی اگر به قیمت آغاز جنگ جهانی سوم باشد (همان، ۹۵).

۲- تولد گوساله سرخ موی: یهودیان ادعا می کنند که در هنگام بنای معبد و پیش از شروع عملیات ساخت لازم است مراسم «تطهیر» انجام شود و برای انجام آن می بایست گوساله ای سرخ موی که

ویژگی‌های خاصی دارد، با آداب مخصوص به خود قربانی گردد (جمعی از نویسندگان، بی تا: ج ۲، ص ۸۱).

طرفین درگیر در آرماگدون

ادعا می‌شود در میدان آرماگدون دو سپاه رودرروی همدیگر قرار می‌گیرند:

- ۱- مؤمنان: یهودیان و هم پیمایان آن‌ها (مسیحیان صهیونیست)
- ۲- کفار و مشرکان: کمونیست‌ها (شوروی (روسیه)، چین، کوبا و کره شمالی) و مسلمانان، ماهنامہ موعود، سال نهم، ش ۵۰، ص ۴۲ و ش ۵۲، ص ۱۷) که عمدتاً شیعیان مد نظر قرار گرفته‌اند. در این میان جایگاه ویژه ایران، سوریه، لبنان و عراق (جمعی از نویسندگان، همان، ج ۲، صص ۱۱۵-۱۲۳) را نمی‌توان نادیده گرفت. (جمعی از نویسندگان، همان، بی تا: ج ۲، ص ۴۸). نکته قابل توجه این جاست که تا قبل از فروپاشی شوروی، عنوان «امپراتوری شیطان» به آنجا اطلاق می‌شد و منظور از آن در تبلیغات مسیحیان صهیونیست، رهبری سپاه «شر» در جنگ آرماگدون بود ۴۱ و پس از آن، به خصوص بعد از حمله آمریکا به عراق، بارها از سوی آن‌ها ایران «محور شرارت» خوانده شده و هدف بعدی حمله آنان اعلام شده است (هالسل، بی تا: ۳۷).

پیروز میدان آرماگدون

بنابر آنچه مدعیان آرماگدون ادعا می‌کنند مسیح مورد نظر آنان پس از کشتار بسیاری از حاضران در میدان نبرد، پیروزمندانه از این معرکه بیرون خواهد آمد و مسیحیان صهیونیست هزار سال در خوشبختی بر جهان حکومت خواهند کرد (هالسل، بی تا: ۳۹).

تعداد کشته‌ها و سرانجام آن‌ها

مدعیان می‌گویند در این جنگ بزرگ میلیون‌ها نفر کشته خواهند شد که ۲/۳ از یهودیان (غیر صهیونیست) بخشی از آن‌ها خواهند بود و طی مدت هفت ماه این کشته‌ها دفن می‌شوند. که البته گاه تا سه میلیارد نفر هم ذکر شده است (جمعی از نویسندگان، همان، بی تا: ج ۲، ص ۱۹۶).

شیوه جنگیدن در آرماگدون

تمام متون مسیحیان صهیونیست جدید با توجه به برخی از عبارات کتاب مقدس به آرماگدون که در جاهای مختلفی ذکر شده و شاید هیچ‌کدام ارتباطی نیز با یکدیگر نداشته باشند - بیان می‌کنند که این جنگ بزرگ، هسته‌ای خواهد بود و به عنوان مثال از چرخبالی که از عقب آن گازی کشنده منتشر می‌شود و نظایر آن سلاح‌های کشتار جمعی سخن گفته‌اند (جمعی از نویسندگان، همان، بی تا: ج ۲، ص ۱۹۴).

زمینه‌سازی برای آرماگدون

از جمله اساسی‌ترین مسائلی که میان همه مسیحیان صهیونیست مشترک است و جملگی بر آن اتفاق دارند، این است که ما هم‌اکنون در آخرالزمان زندگی می‌کنیم و زمینه‌سازی برای وقوع آرماگدون به عنوان مقدمه ظهور مسیح، وظیفه ماست (جمعی از نویسندگان، همان، بی تا: ج ۲، صص ۴۱-۱۹).

یوبیل نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که در کتاب خود، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع)، نزول حضرت عیسی (ع) و محاکمه اسراییل در آن روز سرنوشت ساز را آورده است (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۳۲۷).

آیین هندو

اندیشه موعود در این آیین با شخصیت کلکی شکل می‌گیرد. بنابر فکر هندویی جهان از چهار دوره رو به انحطاط تشکیل می‌شود در چهارمین دوره یعنی عصر کلکی سراسر جهان را ظلم و تاریکی فرا می‌گیرد ناشایستگان بر جان و مال مردم مسلط می‌شوند و دروغ، دزدی، رشوه، سایه سیاه خویش را بر دنیا می‌گسترانند. در پایان چنین دورانی آخرین تنزل (اوتارۀ) ویشنو که کلکی نام دارد ظهور می‌کند تا شرارت و ظلم را ریشه کن کند و عدالت و فضیلت را برقرار سازد (هفت آسمان، ۱۱۶-۱۱۸). موعود هندو ویژگی‌های ذیل را دارا می‌باشد:

- ۱- موعود، شخصی الوهی است.
 - ۲- دارای جنبه الوهی است.
 - ۳- به لحاظ کارکرد به نجات جمع می‌اندیشد و رسالتی معنوی و اجتماعی بر عهده دارد.
 - ۴- به لحاظ ویژگی ظاهری و شخصیتی، شباهت عجیبی به موعود اسلامی دارد.
 - ۵- اندیشه موعود منجی در آیین هندو به هیچ رو «قوم مدار» نیست و به رغم ظاهر نژادمدارانه دین هندویی کاملاً جهان شمول است. (شاکری زواردهی، منجی در ادیان، ۲۲۲).
- در کتاب‌های مذهبی مقدسی که در میان هندویان به عنوان کتاب‌های آسمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب‌ها به عنوان پیامبر شناخته می‌شوند، تصریحات زیادی به وجود مقدس مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور مبارک آن حضرت شده است
- در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از کتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می‌رود، بشارت ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین آمده است:
- «این مظهر ویشنو «مظهر دهم» در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می‌شود، و شیران را تماماً هلاک می‌سازد، و خلقت را از نو تجدید، و پاکی را رجعت خواهد داد ... این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.» (اوپانیشادها، ۱۳۶۸: ۶۳۷/۲).

آیین بودا

آیین بودا یکی از شاخه های کیش هندوست. این آیین از هندوستان بیرون آمده و به علت داشتن اندیشه های عرفانی لطیف و گسترش در مناطق پر جمعیت جهان پیروان زیادی دارد و اخیراً به اروپا و آمریکا نیز سرایت کرده است. اندیشه شبه مهدویت در این آیین هم با مفهوم مَیْتَرِیَه تبیین می شود این واژه در سانسکریت به معنای مهربان است و در الهیات بودایی او را بودای پنجم و آخرین بودا از بوداییان زمینی می دانند که هنوز نیامده اما خواهد آمد تا همگان را نجات دهد و بودایی خویش را به کمال رساند (هفت آسمان ، ۱۲۳).

آیین کنفوسیوس

کنفوسیوس شعار بازگشت به عصر فرزانه شاهان باستان را سرلوحه اندیشه های اصلاحی خویش قرار داده بود و در اندیشه طرفداران این آیین گره خوردن به فرزانی شاهان وجود دارد (هفت آسمان، ۱۱۶).

آیین دائو

در بستر فرهنگی و دینی مردمان چین آیین دائو در کنار آیین کنفوسیوس و دیگر مکاتب فکری نقش آفریده است منتهی در آیین دائو رگه های روشن تری از منجی باوری و انتظار موعود را می توان بر شناخت. بر پایه متن «زندگی قدیس آخرالزمان و پروردگار طریقت» در یک سال جن - چن یعنی بیست و نهمین سال از دوره شصت ساله که احتمالاً ۳۹۲ باشد لی هونگ ظهور خواهد کرد تا جهانی نو پرپا کند (هفت آسمان، ۱۲۴ - ۱۲۵).

زرتشت

در منابع و کتاب های زرتشتیان، اشاره زیادی به ظهور منجی شده است. در خصوص و عده آمدن یک نجات دهنده در آخر الزمان در اوستا باید گفت که متأسفانه این کتاب در قرون متمادی دچار صدمات بسیار شده اما مطالب در اوستای موجود تا به آن اندازه است که بتواند ابهامات بسیاری را در مورد وجود و ظهور منجی های آیین زرتشت بر طرف نماید. (علیرضا ابراهیم ، ۲۳). بیشتر زرتشتیان بر این عقیده اند که مطابق متون مقدس اوستا، فرد یا افرادی در آخرالزمان ظهور می کند و آیین گرفتار در رنج و محنت فراوان مزدیسنا را دوباره احیا خواهد کرد (پور داوود ، ۱۳۷۴: ۲؛ مصطفوی ، ۱۳۶۱: ۹-۱۰). پاره ای از محققان زرتشتی ایران وجود سه موعود مزدیسنا را منکر شده و قائل شوند که رهاننده و نجات دهنده بودن می تواند به هر کس اطلاق شود. در تفسیر، این نجات دهندگان بشر همان سوشیانت ها هستند.

پیروان این آیین منتظر سه موعودند که آنها همان سوشیانت ها هستند که هر یک به فاصله هزار سال از یکدیگر ظهور خواهند کرد که همگی از فرزندان زرتشت خواهند بود که سومی (استوت ارته) آخرین موعود است. فر کیانی نیرومند مزدا آفریده را می ستاییم؛ ... در هنگامی که گیتی را نو سازد...

در آن هنگام که مردگان اگر برخیزند و به زندگان بی مرگی روی کند... (به نقل از درسنامه مهدویت، خدا مرد سلیمان، ۱۳۸۵، ۱۶۰، پاورقی ۴).

در کتاب «زند» که از کتب مقدس زرتشتیان است در مورد ظهور سوشیانس و نجات دهنده آخرالزمان چنین آمده است: «لشکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است با ایزدان که فرزند اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد، آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازد و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و بر انداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سه عادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست.» (صادقی ، ۱۳۸۸ : ۲۳۷).

یونان باستان

در فرهنگ و اندیشه یونان باستان نیز سخن از صلح و آرامش در پس جنگ ها و نوید حکومت جهانی مردی بوده است که خواهد آمد تا بر همه بشریت فرمان براند در ۱۶۵ تا ۱۶۸ پ.م، پیش گویان پیامبر سان یونانی از «شاهزاده ای مقدس» سخن می گوید که بر همه جهان تا ابد حکم خواهد راند و در جای دیگر پادشاهی را نوید می دهد که در مشرق قیام می کند و صلح را برای همه بشریت به ارمغان می آورد (هفت آسمان، ۱۲۶).

نظریه فرهنگی ساموئل هانتینگتون (برخورد تمدن ها - تقابل فرهنگی)

معرفی ساموئل هانتینگتون

ساموئل هانتینگتون (Samuel Huntington) استاد برجسته کرسی « حکومت » و مدیر موسسه مطالعات استراتژیک دانشگاه هاروارد آمریکا، در آوریل ۱۹۲۷ در نیویورک به دنیا آمد. وی مدرک لیسانس خود را در سال ۱۹۴۶ از دانشگاه ییل، فوق لیسانس را در سال ۱۹۴۸ از دانشگاه شیکاگو و مدرک دکتری اش را در سال ۱۹۵۱ از هاروارد دریافت نمود. ... هانتینگتون ... سمت های سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی متعددی را از سال ۱۹۶۹ (به بعد) ... عهده دار بوده است. از آثار وی می توان به موج سوم دموکراسی و برخورد تمدن ها اشاره کرد.

نظریه برخورد تمدن ها

هانتینگتون را می توان آغاز کننده پارادایمی جدید در مطالعات بین المللی دانست. نظریه وی، نگاه تقابل فرهنگی در عرصه جهانی است. وی در تابستان ۱۹۹۳ میلادی، با انتشار مقاله ای در فصلنامه «روابط خارجی» نظریه جدید خود تحت عنوان « برخورد تمدن ها » را مطرح ساخت و آن را چارچوب مفهومی یا پارادایم تحلیل رخدادهای بین المللی، در دوره بعد از جنگ سرد، اعلام نمود. طرح نظریه وی واکنش گسترده ای در محافل علمی و سیاسی جهان به دنبال داشت.

« منتقدین هانتینگتون طیف وسیعی را تشکیل می دهند و کمتر کسی است که اهمیت آرای وی را در شکل بخشیدن به نقشه ی روابط بین الملل دوره بعد از جنگ سرد نادیده بگیرد . وی با طرح به موقع نظریه « برخورد تمدن ها » موجب بازنگری در اهداف ، ابزارها و ارزش های موثر در سیاست بین الملل شد (هانتینگتون و منتقدانش، ۱۳۸۴ ، ۱۱). او مدعی است که تمدن های مختلف امکان نزدیک شدن و گفتگو ندارند، به همین دلیل دنیا باید میان تمدن های بزرگ تقسیم شود و این تمدن ها در مواردی که با یکدیگر سروکار پیدا می کند در می یابند باید با نوعی قرارداد عملی تعامل کنند و در بقیه موارد هر یک در منطقه نفوذ خویش به فعالیت مشغول باشند. هانتینگتون این موضوع را مطرح می کند که هم اکنون جنگ میان ملت ها در حال پایان و جنگ میان تمدن ها در حال آغاز است . وی تمدن را اینگونه تعریف می کند: «تمدن یک موجودیت فرهنگی است. روستاها، سرزمین ها، گروه های قومی، ملیت ها، گروه های مذهبی، همگی دارای فرهنگ های مشخص هستند که در سطوح مختلف با یکدیگر تجانس فرهنگی ندارند. فرهنگ یک دهکده در شمال ایتالیا ممکن است با یک دهکده در جنوب آن متفاوت باشد، اما هر دو در فرهنگ ایتالیایی که آن ها را از دهکده های آلمانی متمایز می سازد، مشترک هستند. جوامع اروپایی نیز به نوبه خود ویژگی های فرهنگی مشترکی دارند که آن ها را از جوامع غرب جدا می کند. اعراب، چینی ها و غربی ها بخشی از یک موجودیت فرهنگی گسترده تر محسوب نمی شوند ، بلکه هر یک از آن ها یک تمدن را تشکیل می دهند . بنابراین تمدن بالاترین گروه بندی فرهنگی و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی است که انسان از آن برخوردار است . تمدن هم با توجه به عناصر عینی مشترک (زبان ، تاریخ ، مذهب ، سنت ها و نهادها) تعریف می شود و هم با توجه به وابستگی ها و قرابت های ذهنی و روحی و درونی انسان ها » (هانتینگتون و منتقدانش ، ۱۳۸۴ ، صفحات ۴۷ - ۴۸).

از نظر هانتینگتون، از این پس امور جهانی بر اثر کنش و واکنش هفت یا هشت تمدن بزرگ غربی، کنفوسیوس، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدکس آمریکای لاتین و در حاشیه نیز تمدن آفریقایی شکل خواهد گرفت. به اعتقاد وی تقابل تمدن ها، سیاست غالب جهانی و آخرین مرحله تکامل درگیری های عصر جدید را شکل می دهد، زیرا:

- ۱- اختلاف تمدن ها اساسی است ؛
- ۲- خودآگاهی تمدنی در حال افزایش است ؛
- ۳- تجدد حیات مذهبی وسیله ای برای پر کردن خلأ هویت در حال رشد است ؛
- ۴- رفتار منافقانه غرب موجب رشد و خودآگاهی تمدنی (دیگران) گردیده است ؛
- ۵- ویژگی ها و اختلافات فرهنگی تغییر ناپذیرند ؛
- ۶- منطقه گرایی اقتصادی و نقش مشترکات فرهنگی در حال رشد است ؛

۷- خطوط گسل موجود بین تمدن ها ، امروز جایگزین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد شده و این خطوط جرقه های ایجاد بحران و خونریزی اند (هانتینگتون و منتقدانش ، تهران ۱۳۸۴ ، از ص ۳ تا ۲۲).

خصوصیت اسلام و غرب

وی معتقد است که خصوصیت ۱۴۰۰ ساله اسلام و غرب در حال افزایش است و رابطه میان اسلام و مسیحیت رابطه ای پر فراز و نشیب بوده است. درگیری لیبرالیسم و مارکسیسم لنینیسم در قرن بیستم در مقایسه با رابطه خصوصیت آمیز و دیر پای اسلام و مسیحیت، درگیری ای گذرا و مصنوعی به حساب می آید. اولین هجوم عربی - اسلامی از اوایل قرن هفتم تا اواسط قرن هشتم باعث شد مسلمانان در شمال آفریقا، اسپانیا، خاورمیانه، ایران و شمال هند به حاکمیت برسند. درجه درگیری خشونت آمیز میان اسلام و مسیحیت در طول زمان به رشد و افول جمعیت، رشد اقتصادی، تغییرات فناوری و شدت ایمان مذهبی بستگی داشته است. از ۲۸ درگیری موجود در خطوط گسل تمدنی در اواسط دهه نود، میان مسلمانان و غیر مسلمانان، نوزده مورد میان مسلمانان و مسیحیان اتفاق افتاده است. از این نوزده مورد، یازده درگیری با مسیحیان ارتدکس و هفت مورد با پیروان مسیحیت غربی در آفریقا و جنوب شرقی آسیا روی داده است. درگیری میان کروات ها و بوسنیایی ها دقیقاً بر خطوط گسل تمدنی میان غرب و اسلام روی داده و روابط میان دو تمدن اسلام و غرب روز به روز آستان بروز حوادثی خونین می شود. بدین ترتیب « پارادایم برخورد تمدنی » دیگر مسائل جهانی را تحت شعاع قرار می دهد و در عصر جدید صف آراییی های تازه ای بر محور تمدن ها شکل می گیرد و سرانجام نیز تمدن های اسلامی و کنفوسیوسی با نزدیک شدن به یکدیگر در کنار هم، رویاری تمدن غرب قرار می گیرند و این درگیری های تمدنی، آخرین مرحله تکامل درگیری در جهان جدید است (هانتینگتون و منتقدانش ، ۱۳۸۴: ۲۳).

هانتینگتون تصریح می کند: «در دنیای پس از جنگ سرد، کشورهای اصلی و مرکزی هر تمدنی جای ابرقدرت های دوران جنگ سرد را خواهند گرفت. « قدرت جهانی » دیگر معنا ندارد و «جامعه جهانی» توهمی بیش نیست. هیچ کشوری، حتی آمریکا، منافع استراتژیک مشخصی ندارد، شکل گیری دنیای آینده بر اساس تمدن ها حتمی است و هیچ گریزی از آن وجود ندارد» (هانتینگتون و منتقدانش ، ۱۳۸۴ ، ص ۲۷).

نظریه پایان تاریخ فوکویاما

موضوع پایان تاریخ که از آموزه های ادیان و مذاهب مختلف آن از جمله تشیع اثنی عشری است، در دوران معاصر نیز مورد توجه ویژه اندیشمندان مغرب زمین قرار گرفته است. فوکویاما از نظریه پردازانی است که اندیشه های او در این زمینه آوازه یافته است. اندیشه مهدویت تشیع اثنی عشری نظریه مهدویت در نزد شیعه اثنی عشری دارای عناصر اصلی اعتقاد به وجود یک جریان کلی در نظام طبیعت

و جهان (تاریخ عام بشری و قانونمندی تاریخ)، سیر تکاملی تاریخ و اعتقاد به پایان و فرجام خوش برای تاریخ است (مرتضی مطهری، قیام و انقلاب حضرت مهدی (علیه السلام)، ص ۱۳ - ۱۴). این عناصر که از خاستگاه الهی برخوردارند می توان در مقوله فطرت الهی انسان خلاصه کرد. نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما عناصر اصلی موجود در نظریه فوکویاما عبارت اند از: قانونمندی تاریخ، ماتریالیسم تاریخی، کرامت انسانی و دموکراسی لیبرال جهان شمول. فوکویاما وجود تاریخ منسجم و عام بشری و به عبارت دیگر قانونمندی تاریخ را از طریق ماتریالیسم اثبات می کند و در ادامه به میل شناخته شدن در انسان (کرامت) نیز می پردازد. او معتقد است نظام سیاسی دموکراسی لیبرال، قابلیت پاسخگویی به ماتریالیسم و میل به شناخته شدن را دارد؛ لذا غایت تاریخ منسجم و جهت دار در نزد فوکویاما، دموکراسی لیبرال جهان شمول است. تاریخ عام بشری و قانونمندی تاریخ اندیشه مهدویت شیعه اثنی عشری اعتقاد به تاریخ عام بشری و وجود یک سیر و تطور تاریخی در جهان که به منزله پذیرش قانونمندی تاریخ است، در نزد شیعه اثنی عشری پذیرفته است. این سیر و تطور تاریخی نزد شیعه با توجه به خاستگاه الهی، معنا و مفهوم تعریف شده خود را دارد. منظور از قانونمندی و قائل بودن به قانون، پذیرش اصل علیت و عدم پذیرش حدوث تصادفی حوادث (عدم علیت) است. از آنجا که هر قانون علمی، گویای یک ارتباط علی و معلولی میان دو پدیده است و از هیچ استثنایی هم برخوردار نیست، برای تحقق یک معلول، وجود علت تامه واجب است و نیز عکس آن هم واجب است. از عدم پذیرش علیت به تصادف تعبیر می شود. بر این اساس همه امور تحت تقدیر و تدبیر حکیمانه الهی و نظم و نظام ضروری عالم واقع است، بدون اینکه جبری در کار آید و اراده آزاد فاعل های مختار سلب شود، چرا که اراده خدای متعال در عرض اراده های فاعل های مختار نیست، بلکه در تراز بالاتری قرار دارد (مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن ص ۱۱۳ - ۱۲۷). به عقیده شیعه اثنی عشری، تطورات تاریخی قانونمند است؛ یعنی جوامع با وجود انواع تفاوت ها و اختلاف های قوانین زیست شناختی و روان شناختی، در قوانین جامعه شناختی از اشتراک برخوردارند. این باور دارای ریشه قرآنی است؛ یعنی گروه ها، قشرها و جوامعی که در طول زمان و پهنه زمین پدیدار شده اند و خواهند شد با وجود وجوه اختلافی با یکدیگر، جهت اشتراکی نیز دارند که قوانین جامعه شناختی متکفل بیان آنهاست (همان، ۱۳۹).

معتقدان به ماتریالیسم تاریخی از جمله فوکویاما، هگل و مارکس، تاریخ را دارای جنبه تکامل و پیشرفت می پندارند و البته منظور ایشان از تکامل تاریخ بشری، اعتقاد به پیشرفت و تکامل در خط مستقیم و بدون انحراف و کجروی و بی وقفه نیست، چرا که همواره دوره های رکود و انحراف و عقبگرد وجود دارد. ایشان به طور کلی معتقدند منحنی سیر جوامع و حرکت تاریخ، هر چند فراز و نشیب های فراوان و چشم گیری داشته باشد، نهایتاً صعودی و رو به بالاست (همان، ۱۶۴). سیر تکاملی جوامع از نظر هگل و مارکس، به صورت حرکت از جوامع قبیله ای ساده مبتنی بر بردگی و کشاورزی معیشتی

به تئوکراسی ها، نظام های سلطنتی و اشرافی و فئودالی مختلف و دموکراسی لیبرال نو و سرمایه داری مجهز به موتور تکنولوژی است. ملاک تکامل در نظر معتقدان ماتریالیسم تاریخی، بعد مادی انسان است. از این تکامل تاریخی اصطلاحاً تحت عنوان تکامل دیالکتیک (ابزاری) تاریخ یاد می شود و فوکویاما با استفاده از این گونه نگرش تکاملی، تاریخ را متکامل می پندارد (مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، ۱۳۸۶: ج ۱ / ۲۱۰-۲۰۱).

نتیجه گیری

در این نوشتار منجی گری و مهدویت در ادیان و مکاتب غیر اسلامی بررسی شده است که ابتدا به بررسی این امر از نظر اهل کتاب پرداخته شده است. ادیان غیر اسلامی همچون یهود و نصاری و مسیحیت و حتی زرتشتی ها به این امر و به ظهور منجی اعتقاد دارند. اما در دین اسلام این اعتقاد محکم تر از ادیان دیگر است. در تمام این ادیان، موعودیک معنای واحد دارد و آن اینکه در روزگاری که جهان پر از ظلم و جور است ناگهان لطف خداوندی بر اساس قاعده لطف شامل حال بشر می شود و منجی و موعود ظهور می کند و ضمن این که ظلم و جور را از بین می برد، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. در ادامه این مباحث نظریه فرهنگی ساموئل هانتینگتون (برخورد تمدن ها - تقابل فرهنگی) و همچنین نظریه جنگ آخرالزمانی آرمادون ارائه شد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابراهام کهن، (۱۳۸۲)، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر، چاپ اول.
- اوپانیشاد، (۱۳۶۸)، ترجمه محمد داراشکوه، انتشارات محمد علی علمی، چاپ سوم.
- پورداوود، ابراهیم، (۱۳۷۴)، سوشینس، تهران، انتشارات فروهر، چاپ دوم.
- جمعی از نویسندگان، (بی تا)، پیشگویی ها و آخرالزمان.
- حیدر الکاظمی، (بی تا)، بشاره الاسلام، نینوی الحدیثه، نجف الاشرف، باب العاشر.
- خدا مرد سلیمیان، (۱۳۸۵)، درسنامه مهدویت.
- خسرو شاهی، سید هادی، (۱۳۷۲)، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، تهران، نشر اطلاعات، چاپ اول.
- راشد محصل، محمد تقی، (بی تا)، نجات بخشی از ادیان (مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی).
- شاکری زواردهی، روح الله، مجله امان شماره ۱۶، سایت تبیان.
- صادقی، محمد، (۱۳۸۸)، بشارات عهدین، امید فردا، تهران، چاپ اول.
- علیرضا ابراهیم، (۱۳۸۱)، مهدویت در دین اسلام و دین زرتشت، باز، چاپ اول، تهران.
- گرین هال سل، "تدارک جنگ بزرگ"، (۱۳۹۰)، ترجمه: حسین اسدی، (موسسه خدمات فرهنگی رسا، اصفهان) چاپ اول.

- المهدی المنتظر فی فکر الاسلامی، اسله المعارف الاسلامیه، (بی تا)، مؤلف مرکز الرساله، چ مهر قم، چاپ اول.
- محدثی، جواد؛ محمد صلواتیان، (۱۳۹۰)، صبح امید (نگاهی به مبحث مهدویت و انتظار)، قم، بوستان کتاب.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۹)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶)، قیام و انقلاب حضرت مهدی (علیه السلام)، تهران: انتشارات صدرا.
- مصطفوی، علی اصغر، (۱۳۶۱)، سوشیانت یا سیراندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان، تهران.
- هاشمی شهیدی، اسدالله، (۱۳۸۰)، ظهور حضرت مهدی (عج) از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان، نشر جمکران، چاپ اول.
- هالسل، گریس، (بی تا)، ید الله، ترجمه قیس زعفرانی.
- هانتینگتون و منتقدانش، (۱۳۸۴)، نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه مجتبی امیری، مرکز انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، سال سوم و چهارم، ش دوازدهم و سیزدهم، بهار ۸۰-۸۱، مقاله آقای علی موحدیان عطار.

